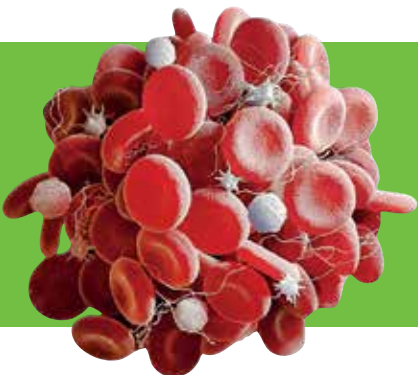


۱۵

راهکار پروتئین مصنوعی در واکسن سازی

پشت پرده لخته خونی پس از واکسن آسترزنکا

۱۴



زندگی

دوشنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۰ :: شماره ۹۰۷



ایستاده با سانسوریا

سمانه نخودی، بانویی روستایی است که در حال تغییر معیشت زنان از راه توسعه گلخانه های کوچک است



مریم خیار

جامعه

میارکلا روستایی است نزدیک ساری؛ آنقدر نزدیک که با پنج شش دقیقه رانندگی می شود از آنجا به مرکز مازندران رسید اما این بی روح ترین تعریفی است که می شود از میارکلا داشت چون کارهایی در این روستا در حال انجام است که در کمتر جایی می توان شبیه آن را پیدا کرد. این روستا پر است از آدم های پرچنب و جوش و بالنگیزه و اهل کار، مردمی که میارکلا را دوست دارند به مانند در آن فکر می کنند و آبادی هرچه بیشتر روستا اوج آمال و آرزوهایشان است. میارکلا اما یک مغز متفکر دارد که اگر نبود شاید هیچ وقت نمی شد این جملات را درباره این روستا نوشت و موفقیت های آن را پشت سرهم قطار کرد. این مغز متفکر که قلبی پر از عشق به سرزمین مادری دارد و رویایش پایان دادن به بیکاری جوانان است سمانه نخودی، بانوی ۳۹ ساله میارکلائی است. او همیشه ته ذهنش به این فکر می کرده که چطور می توان برای جوانان شغل ایجاد کرد و دست خانم ها را در فعالیت های اقتصادی طوری بند کرد که هم روی پای خود بایستند و هم به بلند شدن خانواده روی زانوهای خود کمک کنند. ماجرای این که سمانه نخودی چگونه توانست به این رویا جامه عمل بپوشاند و چطور موفق شد از یک رویا، دستاوردی مشهود بسازد پیشینه چندان دوری ندارد و همه چیز خلاصه می شود به اتفاقاتی که در یک دهه اخیر برای او رخ داده است.

آموزش، شاه کلید بود

سال ۹۰ بود، یکی از روزهای معمولی آن سال که سمانه با کلاس های ترویجی جهاد کشاورزی آشنا شد. این کلاس ها رایگان بود و مجانی بودن هنوز هم برای خیلی ها انگیزه ای قوی است. در این کلاس ها پرورش گل و گیاه را یاد می دادند و به افراد می آموختند چطور باید از گیاهان مراقبت کرد تا حال خوبی داشته باشند.

سمانه آموزش دید و در وجودش چیزی جرقه زد. او احساس کرد حالا بهتر و بیشتر از قبل درباره گیاهان می داند و دقیق تر می تواند به دنیای سبز آنها ورود کند. سمانه اما چون هیچ چیز اقط برای خودش نمی خواست، زنان روستای میارکلا را تشویق به یادگیری کرد.

مردم استان سراسری مثل مازندران مخصوصا مردم روستاها بیش که طبیعتی کمتر دست خورده دارند روحشان با گل و گیاه عجین است و هیچ وقت دست رد به سینه هیچ گیاهی نمی زنند. همین شد که عده ای از زنان میارکلا در کلاس های آموزشی شرکت کردند و بانفون پرورش گل و گیاه، سبزیجات، صیفی جات و قارچ آشنا شدند؛ در این میان عده ای هم سراغ یادگیری پرورش زراو و بلد رچین رفتند. قصه تغییرات در روستای میارکلا دقیقا از همین آغاز شد از زمانی که زنان آموزش دیده حس کردند به دنیای جدیدی وارد شده و می توانند از پوسته قدیمی شان خارج شوند. سمانه نخودی می گوید زمانی رسیده بود که بانوان میارکلا انگیزه و انرژی برای کار پیدا کرده بودند، استعداد های خود را شناخته و خودشان را باور داشتند که این حس ها مثل چاشنی یک بمب که سبب انفجار می شود سر آغاز تغییر شد.

شروع کار در حیاط خانه ها

سمانه نخودی راه دوری نرفت؛ او نگاهش را چرخاند تا مناسب ترین فضا را برای شروع پرورش گل و گیاه پیدا کند و از آنجا که همیشه داشته هایش را معتقد می دانست به حیاط خانه اش فکر کرد. حیاط حدود ۳۰ متر فضای خالی داشت که می توانست گلدان های او را در خود جای داده و به او نشان دهد تا چه حد در پرورش گل و گیاه ورزیده شده است. بعد از او بقیه بانوان هم به صف شده و آستین ها را برای پرورش گل و گیاه در حیاط خانه ها بالا زدند و به این ترتیب ۱۵ بانوی میارکلائی همه سرگرم کار در فضا های ۳۰، ۲۰ متری شدند.



#محدودیت-هوشمند

فراهایی از مشهد:

قرار بود از اول آذر محدودیت های هوشمند اجرایی شود و بسیاری از خدمات به افرادی که واکسینه نشده اند، ارائه نشود اما در عمل می بینیم که هنوز این اتفاق نیفتاده است. کاش وقتی تصمیمی گرفته می شود، سر وقت و به درستی اجرایی شود؛ مخصوصا در این زمینه که سلامت عمومی همه افراد جامعه به این موضوع گره خورده است.



بازگشایی-مدارس

شهرودی از تهران:

خوشبختانه رعایت پروتکل های بهداشتی در مدرسه دخترم به صورت کاملا صحیح اجرایی می شود و خطر ابتلا به بیماری بسیار کم است؛ این در حالی است که شخصا خیلی به اجرایی شدن مسائل بهداشتی خوشبین نبودم ولی این برنامه ریزی صحیح از طرف مدیران مدرسه جای تشکر و قدردانی دارد.



بازندگی-ترافیک

اختیار نژاد از تهران:

با این که موضوعی تکراری است ولی واقعا خنده دار است که برای رفع آلودگی هوا نیاز به باران داریم و به محض بارش باران با مشکلات بیشتری مثل ترافیک و آلودگی معابر روبه رو می شویم؛ واقعا قرار نیست چنین مشکلاتی که سال هاست با آن روبه رو هستیم حل شود؟



میوه-یِلدا

اشعری از کرچ:

از مسوولان تقاضا دارم در آستانه شب یلدا، قیمت برخی از اجناس مناسب این شب به خصوص میوه و آجیل را پایین بیاورند تا همه اقشار جامعه بتوانند این شب را در کنار خانواده و با حال خوب جشن بگیرند.



شهر-توانیاب

سلمان از تهران:

این روزها همه حرف از طرح جوانی جمعیت و فرزندآوری می زنند و به مشکلات شهر برای مادران و فرزندان شان می پردازند. در حالی که مشکلاتی که آنها برای تردد در سطح شهر با آن روبه رو هستند، برای افراد دارای معلولیت و سالمندان هم صدق می کند. کاش توجه به نیازهای ما افراد دارای معلولیت هم در مرکز توجه مسوولان قرار بگیرد.



محدودیت-کرونا

قیادی از همدان:

حالا که آمار مبتلایان و فوتی های ناشی از کرونا روندی کاهشی دارد، امیدوارم با تصمیمات به جا و به موقع و محدودیت رفت و آمدی نسبت به کشورهایی که دچار سوبه جدید کرونا هستند، اجازه ندهیم دوباره سر جای اول مان برگردیم.

حال نامسعود عمارت مسعودیه

۱۶



۱۳ جامه

اکسیری برای محرومیت زدایی

کارآفرینی چند سالی است چنان وارد ادبیات کشورمان شده و آنقدر در محافل مختلف درباره اش حرف زده شده که بعید به نظر می رسد این واژه لااقل برای یک بار به گوش همه مردم نخورده باشد. کارآفرینی را می توان با چند ویژگی شناخت مثلا ایجاد اشتغال، خلق ثروت، خطرپذیری، ارزش آفرینی، آینده نگری، خلاقیت و پیشرو بودن. طبیعی است کسانی که این ویژگی ها را در خود جمع دارند کارآفرین محسوب می شوند که طبق یک تعریف ساده کسانی هستند که مخاطرات یک فعالیت اقتصادی را می پذیرند و آن را سازماندهی می کنند. البته کارآفرین ها فقط در محیط های شهری و صنعتی حضور ندارند بلکه آنها را می توان در محیط های کوچکی مثل روستاها نیز پیدا کرد؛ افرادی که به کوچکی فضایی که در آن حضور دارند فکر نمی کنند بلکه به بزرگی برنامه ها و نقشه هایی که در ذهن دارند، می اندیشند.

بی دلیل نیست که کارآفرینی روستایی نیز مثل انواع کارآفرینی ها مدنظر است و درباره نقشی که این نوع از فعالیت های خلاقانه و هدفمند در رونق روستاها و توسعه اقتصادها دارد، یاد بحث می شود. دریک تعریف گفته شده که کارآفرینی روستایی عبارت از ایجاد کسب و کار با بهره گیری از فرصت های محلی همراه با نوآوری، تلاش، پشتکار زیاد و پذیرش خطرهای مالی و روحی و اجتماعی است. در تعریف دیگر نیز تاکید شده است که کارآفرینی روستایی هیچ فرقی با کارآفرینی شهری ندارد جز این که باید آن را در فضای روستا تصور کرد.



اما با وجود اندک تفاوت هایی که در تعاریف وجود دارد صاحب نظران درباره نقش کارآفرینی در توسعه روستاها و بهبود معیشت جوامع محلی اتفاق نظر دارند. گفته می شود کارآفرینی روستایی پیشگیری از آشفتنی روستاهاست، همچنین از کارآفرینی روستایی به عنوان ابزاری برای افزایش درآمد حاصل از کشاورزی یاد می شود، ضمن این که کارآفرینی روستایی می تواند برای زنان فرصت های شغلی ایجاد کند تا در جایی نزدیک به منازل خود به کسب و کار مشغول شده و صاحب درآمد شوند.

اقتصاددان ها معتقدند توسعه کارآفرینی روستایی باعث توسعه متوازن منطقه ای، افزایش اشتغال عمومی، ارتقای درآمدها و استانداردهای زندگی و حتی خودتکایی ملی می شود، ضمن این که ایجاد شغل در روستاها مانع از مهاجرت افراد و درگیری روستاییان با آسیب های اجتماعی نیز می شود. به این ترتیب واضح است که رونق کارآفرینی در روستاها می تواند تاثیرات مهم محلی و ملی داشته باشد؛ فعالیت هایی که از آنها به عنوان اکسیری برای محرومیت زدایی و کاهش فقر یاد می شود.

پروژه سانسوریا کاری مسوده است و اگر امروز در بازار فروخته نشود قیمت بیشتری پیدا می کند



امیدی برای مسکن مهری ها

اما مهم ترین اتفاق برای ساکنان مسکن مهر میارکلا افتاده؛ مسکن مهر ۲۸۰۰ واحدی شهر ساری که فاصله کوتاهی تا روستای میارکلا دارد. این پروژه سال ۸۷ کلید خورد و قرار بود در ۳۶۵ روز به اتمام برسد و ۲۸۰۰ خانواده فاقد مسکن را صاحب خانه کند اما مسکن مهر میارکلا هم مثل بسیاری از مسکن مهرهای کشور بیشتر از آن که به سمت تحقق رویاهای مالکان واحدها پیش برود، کاخ آرزوهای آنها را ویران کرد و بعد از گذشت ۳ سال، درحالی که ۳۶۵ روز وعده داده شده، ۱۲ بار آمد و رفت ولی این خانه ها به همه صاحبانش وصال نداد و اکنون ۱۸۰۰ خانواده ای که در آن مقیم شده اند با انواع و اقسام مشکلات می جنگند؛ از کمبود فضای سبز تا نبود امکانات فرهنگی و بهداشتی و خدماتی.

در این آشفته بازار اامصدای پيشرفت کارها در گلخانه های روستای میارکلا به گوش ساکنان خسته مسکن مهر رسیده و برخی از آنها را از روی کنجکاوی به روستا کشانده است. آنهايي که آمده اند، می خواستند بدانند که در گلخانه های کوچک میارکلا چه می کنند و آیا این روستا جایی هم برای کسب و کار مسکن مهری ها دارد یا خیر. سمانه نخودی می گوید تا به حال چند نفر که همگی نیز از بانوان بودند برای ایجاد گلخانه در روستا تقاضا داده اند و چون در میارکلا به قدر کافی زمین موجود است این تقاضاها در حال بررسی است تا زودتر این افراد نیز دست به کار پرورش گل و گیاه شوند. اما آیا با این اتفاق در میارکلا دست زیاد نمی شود و بانی ایجاد گلخانه در روستا رقباي زیادی پیدا نمی کند؟ پاسخ خاتم نخودی به این دو سوال منفی است چرا که او خودش برای زیاد شدن دست تلاش می کند و افرادی را که دیگران رقیب می انداد او رقیق می خواند.

زنده باد سانسوریا

گلخانه جمع و جور سمانه نخودی با ۶۰ گونه گل و گیاه و با گلدان های کوچک و بزرگ، چهره ای سبز و مخملی دارد ولی میان این حجم از سبزی بانوی گلخانه دار به یک گونه علاقه ای خاص دارد؛ سانسوریا. این گیاه به نور و دما حساس است و به مراقبت کامل نیاز دارد. آدبهی آن هم باید با مراقبت انجام شود چون اگر آب به غلاف گیاه برسد دچار پوسیدگی می شود. سانسوریا ها همچنین زود به قارچ مبتلا می شوند و از بین می روند، پس نیاز دارند که مرتب قارچ کشی شوند. با وجود این حساسیت ها اما سانسوریاها از زیر دست آدم های کاربلد، شاداب و باطراوات بیرون می آیند؛ همانطور که سانسوریا های سمانه نخودی سر حال اند. او می گوید با این که گیاهان مختلفی را پرورش می دهد و تکثیر می کند اما مزه مزه به صورت تخصصی روی این گیاه کار کند و تا می تواند سهم بیشتری از بازار فروش را به دست آورد. تصویر او حالا با سانسوریا های ابلق، پوست ماری، شمشری، پاکوتا، لوله ای، مهتابی و کراواتی دیدنی است؛ زنی کارآفرین و ایستاده با سانسوریا.

کمی دارند و برای شروع کار چاره ای جز دریافت تسهیلات بانکی ندارند که در میارکلا این کار را بنیاد برکت با همکاری بانک پارسیان انجام می دهد و به برپا شدن گلخانه ها کمک می کند. این گلخانه های کوچک مقیاس دل خیلی از اهالی را به خودشان متعلق کرده اند چون با این که کوچک اند دخل بزرگی برای اهالی شده اند.

سمانه نخودی می گوید در برخی از این گلخانه ها بانوانی که اعتماد به نفس بالایی دارند حتی گل هایی تا پنج میلیون تومان هم پرورش می دهند چون اطمینان دارند از پس تولید آن و سپس فروش گل ها برمی آیند. این بانوان موفق شده اند تعدادی شغل نیز ایجاد کنند به طوری که نه تنها اعضای خانواده خویش را مشغول کار کرده اند بلکه برای هر فصل نیرو هایی را از داخل و خارج روستا به کار می گیرند. سمانه نخودی خودش با پسر و همسرش مشغول کارند و شادمان از این که در میارکلا، گلخانه ها کسب و کارهای خانوادگی را سبب شده اند و امید به زندگی و آینده را در جوان های روستا تقویت کرده اند. این گلخانه ها همچنین برای مردمی که بیرون از روستا زندگی می کنند مایه دلخوشی شده اند چون افراد جویای کار از دور و نزدیک به میارکلا می آیند و چند صبا حی کار کرده و مزد می گیرند.

رویایی از جنس سنبل

سمانه نخودی اگر سفره دلش را باز کند برخلاف مردمی که در این سفره فقط غم و غصه می بینند، پشت سر هم آرزو ردف می کند. او به این آرزو ها البته به چشم هدف نگاه می کند و برای محقق شدن آنها می کوشد. او به صادرات فکر می کند و می خواهد روزی برسد که گل و گیاه های روستای میارکلا به دست مردم کشورهای دور و نزدیک برسد و مردم گوشه گوشه جهان میارکلا را مهد پرورش گل و گیاه بدانند. او البته با تجربه دریافت این راه، راه آسانی نیست و باید خیلی ها به او کمک کنند تا تولیدات او و همو لاتی هایش سفر برون مرزی شان را آغاز کنند. سمانه به غیر از صادرات به سنبل هم فکر می کند، طوری که فکر پرورش آن بخش بزرگی از افکار او را درگیر کرده است؛ همان سنبلی که گرچه عمرش به اندازه روزهای کوتاه عید نوروز است ولی اگر نباشد سفره هفت سین ما ایرانی ها، هفت سین نمی شود. بانوی گلخانه دار البته به ثبت ملی سنبل میارکلا نیز با جدیت فکر می کند و به خاطرش در حال تلاش و مدتی است در زمینی باز مشغول سنبل کاری است و یک بار هم محصولش را فروخته و شیرینی سوددهی سنبل را زیر زبانش مزه مزه کرده ولی این فقط بخش کوچکی از رویای اوست چرا که سمانه نخودی می خواهد کاری کند تا اگر روستای داماش را با سوسن چلچراغ می شناسند یا روستای فرخ خراسان را با گل محمدی و روستای دستگرد را با گل نرگس، میارکلا را هم با سنبل هایش بشناسند.